

مقایسه نور و ظلمت؛ مقایسه امام صادق (سلام الله علیه) با «محمد بن عبدالوهاب»

برنامه حبل المتین

مجری:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خاتون ملک ارض و سماء اشغی لنا

محبوبه حبیب خدا اشغی لنا

آرامش و قرار دل ثامن الحجج

ای زینب امام رضا اشغی لنا

«يَا فَاطِمَةُ اشْفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأناً مِنَ الشَّانِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَخْتِمَ لِي
بِالسَّعَادَةِ، فَلَا تَسْلُبْ مِنِّي مَا أَنَا فِيهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»

فرازهایی از زیارتنامه حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها)

سلام و درود خدمت شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبكة جهانی ولایت» و برنامه زنده «حبل المتین»؛ بهترین‌ها را برای شما آرزومندم.

امشب، شب رحلت شهادت گونه حضرت کریمه اهل بیت فاطمه معصومه أخت الرضا (سلام الله علیها) است.

عرض تسلیت و تعزیت به محضر امام زمانمان (ارواحنا له الفداه) و به محضر ولی نعمت ما ایرانیان آقا علی بن موسی الرضا (علیه آلاف التحية و الثنا) و همچنین خدمت همه شما عاشقان و شیفتگان و دلباختگان حضرت تسلیت عرض می‌کنم.

خوشحال می‌شویم که حرف‌های دلتان را از راه‌های ارتباطی که دوستانم زحمت می‌کشند و برای شما زیرنویس می‌کنند، برای ما ارسال کنید.

سامانه پیام کوتاه ما «۳۰۰۰۱۲۰۳» و همچنین شماره دیگری وارد شده است که از طریق فضای مجازی با برنامه‌های واتس آپ، تلگرام و وایبر می‌توانید پیام‌های خودتان را برای ما ارسال کنید؛ پیام‌های شما را دریافت می‌کنیم و استفاده می‌بریم.

امشب توفیق داریم همانند یکشنبه شب‌های گذشته در خدمت استاد بزرگوارمان حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی باشیم. جناب استاد سلام علیکم و رحمه الله؛ خیلی خوش آمدید و عرض تسلیت و تعزیت خدمت شما:

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمه الله و برکاته؛ بنده هم خدمت حضرتعالی و همه بینندگان عزیز و گرامی که در هرکجای این گیتی پهناور بیننده این برنامه هستند خالصانه‌ترین سلامم را همراه با تعزیت شب وفات و رحلت جانسوز و غریبانه و مظلومانه حضرت معصومه (سلام الله علیها) کریمه اهل بیت تقدیم می‌کنم.

خدا را به آبروی این بانوی دو جهان سوگند می‌دهم فرج مولای ما را نزدیک نموده و ما را از یاران ویژه آن نازنین وجود قرار بدهد، ان شاء الله.

همچنین باخبر شدیم که حضرت آیت الله هاشمی رفسنجانی هم دار فانی را وداع گفتند. درگذشت ایشان را به پیشگاه مقدس حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداه)، مقام معظم رهبری، خانواده ایشان و علاقمندان به ایشان تسلیت عرض می‌کنیم. از خداوند متعال برای ایشان علو درجات و همچنین صبر و شکیبایی برای بازماندگانشان خواهیم.

مجری:

خیلی ممنون. استاد با توجه به اینکه امشب، شب وفات حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) است ابتدای بحثمان را مزین کنیم به بیان مطالبی در خصوص شخصیت ایشان و سپس مباحث هفته گذشته را ادامه خواهیم داد.

شخصیت والای حضرت معصومه (سلام الله علیها) از زبان ائمه طاهرين (علیهم السلام)

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلوة علی رسول الله و علی آله آل الله لا سیما علی مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله الی یوم لقاء الله افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر

زمانی که در رابطه با حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) روایات ائمه طاهرين (علیهم السلام) را ملاحظه می‌کنیم، مشاهده می‌کنیم که شاید حدود ۵۰ سال قبل از تولد ایشان روایاتی از امام صادق (علیه السلام) در فضیلت این بی‌بی دو عالم بیان شده است.

مرحوم «علامه مجلسی» در کتاب «بحارالانوار» جلد ۵۷ صفحه ۲۲۸ روایات مختلفی در این زمینه آورده است. در این کتاب روایتی از امام صادق (علیه السلام) وارد شده است که فرمودند:

«إِنَّ لِلَّهِ حَرَمًا وَهُوَ مَكَّةُ أَلَا إِنَّ لِرَسُولِ اللَّهِ حَرَمًا وَهُوَ الْمَدِينَةُ أَلَا وَ إِنَّ لِمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَرَمًا وَهُوَ الْكُوفَةُ أَلَا وَ إِنَّ قُمَّ الْكُوفَةَ الصَّغِيرَةَ»

خداوند متعال حرمی دارد که آن مکه است، نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) حرمی دارد که همانا آن مدینه است، حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) حرمی دارد که آن کوفه است و حرم ما ائمه شهر قم است.

سپس فرمودند:

«أَلَا إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ ثَلَاثَةٌ مِنْهَا إِلَى قُمَّ»

بهشت هشت در دارد، سه در از این هشت در از قم گشوده می‌شود.

«تُقْبَضُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ وُلْدِي اسْمِهَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُوسَى وَ تُدْخَلُ بِشَفَاعَتِهَا شِيعَتِي الْجَنَّةَ بِأَجْمَعِهِمْ»

در شهر قم خانمی به نام فاطمه دختر موسی از دنیا می‌رود که شیعیان ما همگی با شفاعت این خانم وارد بهشت می‌شوند.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۵۷، ص ۲۲۸، ح ۵۹

این روایت، روایت بسیار سنگین و دقیقی است و همچنین «تُدْخَلُ بِشَفَاعَتِهَا شِيعَتِي الْجَنَّةَ بِأَجْمَعِهِمْ» نشانگر این است که حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) جایگاه والایی نزد خداوند تبارک و تعالی دارد و به مقام والایی از شهادت نائل آمدند.

همچنین روایات دیگری از امام هشتم (علیه السلام) در این زمینه وجود دارد که می‌فرماید:

«مَنْ زَارَهَا عَارِفًا بِحَقِّهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ»

هرکسی خواهرم را در قم با معرفت زیارت کند، بهشت بر او واجب است.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۴۸، ص ۳۱۷، باب

فیما يتعلق بأحوال أولاده عليه الصلاة والسلام

این روایت به این معناست که هرکسی به جایگاه والای حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) به عنوان دختر امام، خواهر امام و عمه امام آشنا باشد بهشت بر او واجب است!!

این روایات همگی نشانگر فضیلت والای این بانوی بزرگوار است؛ به علاوه حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) فرزندان زیادی داشتند، حتی به نقلی حدود ۴۰ فرزند داشتند.

مشاهده می‌کنیم که از میان فرزندان حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) دارای این جایگاه رفیع هستند.

در روایت دیگری امام کاظم (علیه السلام) عبارت «فِدَاهَا أَبُوهَا» را در مورد حضرت فاطمه معصومه به کار می‌بردند؛ همین جمله‌ای که رسول گرامی اسلام خطاب به حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) به کار می‌بردند.

در کتاب «کریمه اهل بیت» اثر برادر عزیزمان جناب آقای «مهدی‌پور» صفحه ۴۳ این روایت بیان شده است، همچنین در کتاب «انوار المشعشعین» جلد اول صفحه ۲۱۱ این مطلب بیان شده است. بنابراین در رابطه با حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) سخن زیاد است.

ما بارها این جمله را خدمت بینندگان عزیز عرض کردیم که آیت الله العظمی مرعشی نجفی در احوالات پدر بزرگوارشان بیان کردند که ایشان در عالم رؤیا خدمت رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) رسیدند.

پدر آیت الله العظمی مرعشی نجفی در عالم رؤیا از رسول گرامی اسلام درخواست می‌کنند که قبر مطهر حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را به ایشان نشان بدهند تا برای زیارت به آنجا مشرف شوند.

رسول گرامی اسلام می‌فرمایند: حکمت الهی بر این تعلق گرفته است که قبر دخترم حضرت فاطمه زهرا تا ظهور فرزندم حضرت مهدی (ارواحنا له الفداه) مخفی باشد، اما خداوند متعال تمام فضیلت زیارت دخترم را بر زیارت دخترم حضرت فاطمه معصومه مترتب کرده است.

به عبارت دیگر اگر کسی حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) را زیارت کند، خداوند عالم ثواب زیارت قبر حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را به او می‌دهد.

در روایتی از امام رضا (علیه السلام) نقل شده است که فرمودند: هرکسی خواهرم را زیارت کند، گویا من را زیارت کرده است.

بنابراین حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) برای شهر قم، مردم ایران و شیعیان بلکه مسلمانان مایه خیر و برکت است. ما غالباً زمانی که به حرم می‌رویم، مشاهده می‌کنیم که عزیزان اهل سنت برای زیارت به این مکان مقدس می‌آیند.

گاهی اوقات مشاهده می‌کنیم که افراد زیادی قسمت بالای سر حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) با دست بسته نماز می‌خوانند. این اقدامات نشانگر این است که شیعه و سنی در این مسائل با هم، هم عقیده هستند.

امروزه حساب وهابیت که سعی دارند به نوعی میان شیعه و سنی تفرقه ایجاد کنند و عقده‌هایی که از آباء و اجدادشان بنی امیه و بنی مروان به ارث بردند را اظهار کنند، جداست.

در رابطه با حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) شعر زیبایی سروده شده که بنده خیلی این شعر را دوست دارم. این شعر چنین است:

روی قبرم بنویسید که خواهر بودم

سال‌ها منتظر روی برادر بودم

چقدر مردم این شهر ولایی خوباند

که سرم را نشکستند خدایی خوباند

در ساوه نسبت به حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) هتک حرمت شد و عزیزانشان را جلوی چشمشان کشتند، قطعه قطعه و آواره کردند و به همین دلیل حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) به اطرافیان دستور دادند به طرف قم حرکت کنند و رهسپار قم شدند.

مردم قم زمانی که شنیدند حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) در راه است، کیلومترها به استقبال حضرت معصومه رفتند و زمانی که آن حضرت وارد شهر قم شدند مردم از شادی و خوشحالی بال درآورده بودند.

در آن مدت ۱۷ روزی که حضرت فاطمه معصومه در قم سکونت داشتند، مردم قم واقعاً حق مطلب را نسبت به اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) ادا کردند و آیه شریفه:

(قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ)

بگو من از شما در برابر رسالتم مزدی طلب نمی‌کنم به جز مودت نسبت به اقرباء.

سوره شوری (۴۲): آیه ۲۳

واقعاً در قم تحقق پیدا کرد.

چادرم دور و برم بود پایی نگرفت

معجرم روی سرم بود به جایی نگرفت

بنویسید همه دور و برم ریخته‌اند

چقدر دسته گل روی سرم ریخته‌اند

بنویسید در این شهر سرم سنگ نخورد

به خداوند قسم بال و پرم سنگ نخورد

من کجا، شام کجا، زینب بی‌یار کجا

من کجا، بام کجا، کوچه و بازار کجا

گر زمانی به سوی شاه خراسان رفتی

من نبودم به سوی مرقد جانان رفتی

روی قبرش بنویسید که عطشان نشده

بدنش پیش نگاه همه عریان نشده

یار هم آنقدری داشت که غارت نشود

در کنارش پسری داشت که غارت نشود

او کجا، نیزه کجا، گودی گودال کجا

او کجا، نعل کجا، پیکر پا مال کجا

امیدواریم که ان شاء الله خداوند عالم به ما هم توفیق بدهد تا حق این بزرگ خانم جلیل و با عظمت را نگهداریم و با اظهارت ارادت و رفتن به پابوسی و آستان بوسی آن بزرگوار نزد رسول گرامی اسلام سربلند باشیم و نزد خداوند عالم آبرو کسب کنیم که به آیه شریفه:

(قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى)

عمل کردیم.

مجری:

ان شاء الله؛ خیلی ممنونم. آرزو می‌کنم که زیارت با معرفت کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) نصیب شما شود؛ البته ما همیشه دعاگو و نایب الزیاره شما هستیم.

امشب بعد از برنامه بنده به حرم کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) برای پخش برنامه شب وفات مشرف می‌شوم و حتماً دعاگوی تک تک شما عزیزان بیننده خواهیم بود.

باید نکته‌ای را خدمت شما متذکر شوم و آن این است که در ضریح مطهر حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) علاوه بر این بانوی بزرگوار هفت امامزاده دیگر که همگی بانو هستند، دفن شده‌اند.

شاید این مطلب را کمتر شنیده باشید که خواهر حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) و سه دختر امام جواد (علیه السلام) و سه دختر دیگر که فرزندان حضرت موسی مبرقع و نوه‌های امام جواد (علیه السلام) هستند، در ضریح مطهر حضرت معصومه مدفون هستند.

زمانی که شما به حرم کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) مشرف می‌شوید، در ضریح حرم علاوه بر حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) هفت امامزاده و بانوی واجب‌التعظیم دیگر هم وجود دارند.

ان شاء الله خداوند به زودی زیارت این بانوی بزرگوار را نصیب شما عزیزان خوب بیننده کند، ما هم حتماً دعاگو هستیم؛ به ویژه از طرف بینندگان بزرگواری که در خارج از کشور هستند و آرزوی زیارت حرم کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه را دارند نایب الزیاره خواهیم بود.

دارد دل ما راه نجاتی دیگر

در مشهد و در قم عتباتی دیگر

بر بانوی با کرامت قم صلوات

بر شاه خراسان صلواتی دیگر

ان شاء الله که خداوند متعال همه ما را قدردان نعمت اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) بگرداند، به ویژه ما اهل قم که سایه نشین این بانوی با کرامت هستیم.

زمانی که جوانان ما می خواهند ازدواج کنند، مراسم عقد و ازدواجشان را در حرم زیر سایه این بانوی با کرامت برپا می کنند. اگر خداوند متعال فرزندی به آنان عنایت کند، اولین لحظات آن را در حرم معطر می کنند و فضا را ملکوتی حضرت کریمه اهل بیت قرار می دهند.

همچنین زمانی که عمر ما به پایان برسد تابوت و جنازه ما را برای طواف نزد ضریح مطهر این بانوی با کرامت می برند. بالاخره اول و وسط و آخر و همه زندگی ما زیر سایه کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) است.

ان شاء الله خداوند متعال ما را قدردان این نعمت و شما را هم به همین نزدیکی زائر قم مقدس و حرم کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) قرار بدهد.

ما منتظر پیام های شما هستیم تا پیام های شما را از طریق راه های ارتباطی که برای شما زیرنویس شده است، دریافت کنیم.

جناب استاد ما هفته های گذشته بحثی را داشتیم مبنی بر اینکه برخی از شبکه های وهابی صهیونیستی مقایسه باطلی میان «محمد بن عبدالوهاب» با ائمه طاهرين (علیهم السلام) مقایسه باطلی انجام دادند.

هرچند این مقایسه، مقایسه نور با ظلمت و حق با باطل است؛ اما از آنجایی که کارشناسان وهابی این بحث را مطرح کردند ما هم بحثی را خدمت شما آغاز کردیم. شما این مقایسه ها را بیان فرمودید.

میان ماه من تا ماه گردون

تفاوت از زمین تا آسمان است

اصلاً این دو شخصیت با هم قابل مقایسه نیستند. اگر می‌خواهید خلاصه‌ای از مباحث گذشته بفرمایید و اگر نکته‌ای دارید مطرح کنید تا من بحث جدید را خدمت شما عرض کنم.

مقایسه نور و ظلمت؛ در مقایسه امام صادق(سلام الله علیه) با «محمد بن عبدالوهاب»

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

همان‌طور که حضرت‌عالی اشاره فرمودید مقایسه ائمه طاهرين (عليهم السلام) که شیعه، سنی، مسیحی و یهودی به این بزرگواران عشق می‌ورزند با «محمد بن عبدالوهاب» قابل مقایسه نیست.

همان‌طور که در هفته گذشته هم اشاره کردیم نور با ظلمت و همچنین طیب با خبیث قابل مقایسه نیستند. همان‌طوری که خداوند عالم در سوره مبارکه مائده آیه ۱۰۰ می‌فرماید:

(قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)

بگو ای محمد هرگز پاک و ناپاک مساوی نیستند هر چند زیادی ناپاکان شما را به تعجب وادارد، پس ای خردمندان از خدا بترسید باشد که رستگار شوید.

سوره مائده (۵): آیه ۱۰۰

همچنین خداوند متعال در سوره مبارکه انعام آیه ۵۰ می‌فرماید:

(قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ لَا تَتَفَكَّرُونَ)

بگو آیا کور و بینا یکسان است؟ (پس چرا تفکر نمی‌کنید).

سوره انعام (۶): آیه ۵۰

حال بنده اقوال بزرگان اهل سنت را نسبت به «محمد بن عبدالوهاب» عرض خواهم کرد که او را انسان پست، خبیث، نادان، کودن، تکفیر کننده اهل سنت و دور از شریعت معرفی و نطفه شیطان معرفی کردند.

همان‌طور که اشاره کردیم، «محمد بن فیروز» که علمای اهل سنت در مورد او می‌گویند:

«أقربهم إلى الإسلام، وهو رجل من الحنابلة وينتحل كلام الشيخ "ابن تيمية" وابن القيم خاصة»

نزدیک‌ترین عالم به اسلام است، مردمی حنبلی است و تابع «ابن تیمیه» و «ابن قیم» است.

الكتاب: دعاوی المناوئین لدعوة الشيخ محمد بن عبد الوهاب، عرض و نقض، المؤلف: عبد العزيز بن محمد بن علي العبد اللطيف، مصدر الكتاب: موقع الدرر السنية: www.dorar.net، [الكتاب مرقم آليا غير موافق للمطبوع]، ج ١، ص ٤١ و ٤٢، باب دراسة استقرائية مجملّة لمؤلفات المناوئین

همین شخص در مورد «محمد بن عبدالوهاب» می‌گوید: «محمد بن عبدالوهاب» از نسل شیطان است!!

همچنین در سوره مبارکه هود آیه ۲۴ می‌خوانیم:

مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَىٰ وَالْأَصْمَىٰ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيانِ مَثَلًا ۗ أَلَا تَذَكَّرُونَ

مثل این دو طایفه مثل کور و کر، و بینا و شنوا است، اگر این دو طایفه یکسان باشند آن دو طایفه نیز یکسان خواهند بود، پس چرا به خود نمی‌آیند.

سوره هود (۱۱): آیه ۲۴

طبق این آیه شریفه مثل امامان معصوم (علیهم السلام) و امثال «محمد بن عبدالوهاب» همانند انسان بینا در مقابل انسان کر و کور است. همچنین خداوند متعال در سوره مبارکه حشر به صورت واضح و روشن می‌فرماید:

لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ

اصحاب دوزخ و اصحاب بهشت یکسان نیستند و معلوم است که بهشتیان رستگارانند.

سوره حشر (۵۹): آیه ۲۰

مشاهده کنید سرمنشأ آتشی که امروزه در جهان اسلام، بلکه در جهان بشریت ایجاد شده و کشت و کشتار و ترور و آدم کشی و جنایتی که در جهان رخ می‌دهد تفکرات فاسد «ابن تیمیه» و «محمد بن عبدالوهاب» است.

آیا شما این افراد را می‌خواهید با شخصیت امام صادق (علیه السلام) مقایسه کنید، همو که وقتی از ایشان می‌پرسند: تعامل ما با اهل سنت باید چگونه باشد؟!

آن حضرت در جواب می‌فرمایند: مشاهده کنید که امامان شما با اهل سنت چطور برخورد می‌کنند و شما هم از آنان یاد بگیرید. حضرت در ادامه می‌فرمایند:

قَوَّ اللَّهُ إِيَّاهُمْ لِيَعُوذُونَ مَرْضَاهُمْ وَ يَشْهَدُونَ جَنَائِزَهُمْ وَ يَقِيمُونَ الشَّهَادَةَ لَهُمْ وَ عَلَيْهِمْ وَ يُوَدُّونَ الْأَمَانَةَ إِلَيْهِمْ

به خدا سوگند به عیادت مریض‌های آن‌ها می‌رویم، در تشییع جنازه‌هایشان شرکت می‌کنیم، اگر امانتی را به ما بسپارند امانت‌داری می‌کنیم و اگر در محکمه شهادت بخواهند شهادت می‌دهیم.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲، ص ۶۳۶، ح ۴

مشاهده کنید که مسئله کاملاً واضح و روشن است. همچنین خداوند تبارک و تعالی در سوره مبارکه فاطر آیه ۲۲ می‌فرماید:

(وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَاءُ وَمَا أَنتَ بِمُسْمِعٍ مَن فِي الْقُبُورِ)

و زندگان و مردگان نیز یکسان نیستند، که همانا خدا هدایت خویش را به هر که خواهد می‌شنواند و تو چیزی را به کسانی که در گورستان (کفر و جهالت) فرو رفته‌اند نمی‌شنوایی.

سوره فاطر (۳۵): آیه ۲۲

طبق این آیه شریفه آنچه در کالبد «ابن تیمیه» و «محمد بن عبدالوهاب» است، در حقیقت همان روحی است که در قالب مشرکین و کفار بوده است!!

این شخص همان فردی است که نه نصیحت پدر در او اثر کرده است، نه نصیحت استاد در او اثر کرده است و نه نصیحت برادر در او اثر کرده است و پدر، برادر، استاد و عالم هم عصر او به زندقه و گمراهی او شهادت می‌دهند؛ در حقیقت این شخص مرده‌ای است که شنوایی ندارد.

بنابراین این بحث کاملاً واضح و روشن است و نمی‌توانیم این مقایسه باطل را انجام بدهیم. من در جلسه گذشته اقوال بزرگان اهل سنت را نسبت به ائمه طاهرین (علیهم السلام) بیان کردم و عزیزان مشاهده کردند.

اذهان شیعیان در این زمینه کاملاً روشن و واضح است و شیعیان برای «محمد بن عبدالوهاب» هیچ ارزشی قائل نیستند؛ زمانی که اسم او را می‌شنوند شدیدترین لعن و نفرین را نثار او می‌کنند.

همچنین عمده عزیزان اهل سنت هم چنین نظری نسبت به او دارند؛ بلکه غیر مسلمانان هم همین عقیده را نسبت به این دو نفر دارند و زمانی که اسم «ابن تیمیه» و «محمد بن عبدالوهاب» را می‌شنوند احساس تنفر و انزجار می‌کنند.

تنفر جهانیان از این دو نفر به این دلیل است که تفکر این دو نفر و اتباع آنان جهان را به آشوب کشانده است. بنابراین امروزه هر فتنه‌ای در جهان رخ می‌دهد، ردپای اتباع «ابن تیمیه» و «محمد بن عبدالوهاب» را آنجا مشاهده می‌شود.

به عنوان نمونه در کتاب «سیر أعلام النبلاء» جلد ششم روایتی از «صالح بن ابی اسود» وارد شده است که می‌گوید:

«سمعت جعفر بن محمد يقول سلونی قبل أن تفقدونی فإنه لا یحدثکم أحد بعدی بمثل حدیثی»

شنیدم که جعفر بن محمد می‌گوید: هرچه می‌خواهید از من بپرسید، زیرا بعد از من دیگر کسی این چنین احادیث برای شما بیان نمی‌کند.

سیر أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی أبو عبد الله، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بیروت - ۱۴۱۳، الطبعة: التاسعة، تحقیق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعیم العرقسوسی، ج ۶، ص ۲۵۷، باب ۱۱۷ جعفر بن محمد (ع)

شما می‌خواهید این شخصیت نورانی را با «محمد بن عبد الوهاب» که به شهادت علمای اهل سنت عین جهل و نادانی است مقایسه کنید؟! همچنین «حسن بن زیاد» می‌گوید از «ابو حنیفه» سؤال کردم:

«من أفتقه من رأیت»

فقیه‌ترین انسانی که تا به حال دیدی چه کسی بوده است؟

«قال ما رأیت أحدا أفتقه من جعفر بن محمد»

گفت: انسانی فقیه‌تر از جعفر بن محمد تا به حال ندیدم.

سیر أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی أبو عبد الله، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بیروت - ۱۴۱۳، الطبعة: التاسعة، تحقیق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعیم العرقسوسی، ج ۶، ص ۲۵۷، باب ۱۱۷ جعفر بن محمد (ع)

مشاهده کنید امامان شیعه این‌گونه بوده‌اند!! همچنین «ذهبی» در چند روایت بیان کرده است که امام صادق (علیه السلام) شایستگی تصدی خلافت داشتند و کسی در او هیچ نقصانی پیدا نکرد. «ذهبی» با آن طرز فکر در کتاب «تاریخ الإسلام» می‌نویسد:

«مناقب جعفر كثيرة، وكان يصلح للخلافة لسؤدده وفضله وعلمه وشرفه رضي الله عنه»

مناقب جعفر بن محمد (علیه السلام) خیلی زیاد است، و او به خاطر سیادت و آقایی و فضل و دانش و شرافتی که داشت شایسته خلافت بود.

تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، اسم المؤلف: شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان الذهبی، دار النشر: دار الكتاب العربی - لبنان / بیروت - ۱۴۰۷ هـ - ۱۹۸۷ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. عمر عبد السلام تدمری، ج ۹، ص ۹۳، باب ۴ (جعفر الصادق، م)

حتی «ابن تیمیه» در کتاب «التوسل و الوسيلة» زمانی که به امام صادق (علیه السلام) می‌رسد، از «امام مالک» نقل می‌کند و می‌گوید: من هر وقت نزد امام صادق رفتم، مشاهده کردم که ایشان یا در حال نماز است و یا در سکوت و تفکر و یا مشغول قرائت قرآن است!!

در این زمینه مطالب زیادی وجود دارد. همچنین «ابن خلکان» در کتاب «وفیات الأعیان» جلد اول می‌گوید:

«وكان من سادات أهل البيت ولقب بالصادق لصدقه في مقاله»

یکی از ائمه اثنی عشر بر مذهب امامیه است که او را صادق می‌نامند برای صداقتی که در گفتارش بود.

«وفضله أشهر من أن يذكر»

فضیلت امام صادق خیلی مشهورتر از این است که ذکر شود.

وفیات الأعیان و انباء أبناء الزمان، اسم المؤلف: أبو العباس شمس الدين أحمد بن محمد بن أبي بكر بن خلکان، دار النشر: دار الثقافة - لبنان، تحقيق: احسان عباس، ج ۱، ص ۳۲۷، باب ۱۳۱ جعفر الصادق

مشاهده کنید این مطالب، عبارت‌های بزرگان اهل سنت در مورد ائمه طاهرين (عليهم السلام) مخصوصاً امام صادق (عليه السلام) است. حتی «ابن تیمیه» در مورد امام صادق (عليه السلام) می‌گوید:

«فإن جعفر بن محمد لم يجيء بعد مثله»

بعد از امام صادق کسی مثل او نیامده است.

«وقد أخذ العلم عنه هؤلاء الأئمة كما لك وابن عيينة وشعبة والثوري وابن جريج ويحيى بن سعيد وأمثالهم من العلماء المشاعير الأعيان»

افراد مشهور و شخصیت‌های برجسته‌ای مانند مالک و ابن عیینه و شعبه و ثوری و ابن جریج و یحیی بن سعید و امثال او از شاگردان امام صادق بودند.

منهاج السنة النبوية، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس، دار النشر: مؤسسة قرطبة - ۱۴۰۶، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم، ج ۴، ص ۱۲۶، باب الوجه الثالث عشر

مشاهده کنید که این مطالب در رابطه با امام صادق (عليه السلام) بیان شده است. «ابن تیمیه» می‌گوید: "چشم هستی تا الآن کسی مانند امام صادق را ندیده است و ایشان صلاحیت خلافت دارد" ولی خب در ادامه عداوت خود را به نوعی نشان می‌دهد.

در کتاب «منهاج السنة النبوية» جلد هشتم صفحه ۲۶۳ از قول «علامه حلی» می‌گوید: فضایلی که ائمه طاهرين هر کدام شایستگی داشت که به خاطر آن فضایل امامت و خلافت را متصدی باشد. «ابن تیمیه» در ادامه این مطلب می‌گوید:

«والجواب من وجوه أحدها أن تلك الفضائل غابتها أن يكون صاحبها أهلاً أن تعقد له الإمامة»

نهایت فضایلی که ائمه شیعه داشتند، این است که این افراد اهلیت داشتند امامت برای آن‌ها منعقد شود.

«لا يصير إماماً بمجرد كونه أهلاً كما أنه لا يصير الرجل قاضياً بمجرد كونه أهلاً»

به مجرد اینکه کسی اهلیت برای امامت دارد که او را امام قرار نمی‌دهند.

این حرف او به معنای این است که هر کسی اهلیت امامت ندارد و شترچران و گاو فروش است باید امام مسلمین شود!!

«الثانی أن أهلیة الإمامة ثابتة لأخرین من قریش»

افراد دیگری از قریش هم شایستگی امامت داشتند.

منهاج السنه النبویه، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی أبو العباس، دار النشر: مؤسسه قرطبه - ۱۴۰۶،
الطبعة: الأولى، تحقیق: د. محمد رشاد سالم، ج ۸، ص ۲۶۳

همچنین در مصر کتابی به نام «تبدید الظلام و تنبیه النیام الی خطر التشیع علی المسلمین و الإسلام» به وسیله یکی از افراد پست و فرومایه به نام «ابراهیم سلیمان الجبهان» نوشته شده است.

ایشان در این کتاب مطالب بسیار سخیفی نوشته و در بخشی از این کتاب می گوید: خطر حکومت ایران برای اسلام بیش از خطر یهود و صهیونیسم برای اسلام است!!

ما کاری با این افراد نداریم؛ اگر نسبت به ایران، اسلام یا انقلاب مطلبی دارند، بیان کنند. این در حالی است که این فرد در این کتاب نسبت به امام صادق (علیه السلام) مطلب بسیار رکیکی به کار برده است.

مشاهده کردید که «ابن خلکان»، «ذهبی»، «ابن حجر عسقلانی»، «ابن حجر هیثمی» در رابطه با امام صادق (علیه السلام) چه مطالبی بیان کردند؛ اما این شخص پست تعبیر زشتی به کار برده است.

«لقد قرن اسم جعفر بن محمد بعلامه إستفهام فی غیر موضع»

زمانی که اسم امام صادق را می نویسد، علامت سؤال می گذارند به این معنا که شخصیت او زیر سؤال است.

این علامت سؤال به جهت خطایی از بسیاری مؤلفین صورت گرفته است که در کنار جعفر بن محمد کلمه صادق آوردند و برای او لقب علم کرده اند!!

«و الواقع ان هذه التسمیة أو بالأصح هذه التزکیة ما کان ینبغی عن تطلق علی شخص هامت حوله الشبهات»

نباید به فردی کلمه صادق بگویند که پیرامون او شبهات زیادی وجود دارد.

«و کثرت فیه الأقاویل»

مذمت های زیادی در حق او وجود دارد.

«و نصبت إلیه أقوال مشهونه بالزندقة و الإلحاد»

یک سری گفتاری به امام صادق نسبت به داده شده است که این اقوال بوی زندقه و الحاد و بی دینی می دهد.

مشاهده کنید که این نگاه یک وهابی نسبت به امام صادق (علیه السلام) است و او هم نگاه «ابن خلکان»، «ذهبی»، «ابن حجر» و دهها و صدها عالم دیگری است که وقتی از امام صادق یاد می کنند نسبت به ایشان تجلیل و تعظیم و تکریم می کنند.

ما نمی دانیم به این افراد چه بگوییم، تنها می توانیم همان تعبیری را که «ذهبی» در نامه ای که به «ابن تیمیه» می نویسد نسبت به این شخص به کار ببریم.

در کتاب «السیف الصقيل فی الردّ علی ابن زنجفیل» اثر «تقی الدین سبکی» از بزرگان و ائمه اهل سنت است. در این کتاب زمانی که به «ابن تیمیه» می رسد، می نویسد:

«رسالة كتب بها الشيخ شمس الدين أبو عبد الله الذهبي إلى الشيخ تقى الدين ابن تيمية»

سپس می گوید:

«من خط قاضی القضاء برهان الدين بن جماعة رحمه الله»

من این نامه را از خط قاضی القضاء برهان الدين بن جماعة رحمه الله گرفتم.

سپس در اینجا مباحثی را مطرح می کند و می گوید:

«إلى كم تمدح نفسك وشقاشك وعباراتك»

تا کی می خواهی خودت را مدح کنی.

«وتذم العلماء وتتبع عورات الناس»

تا کی می خواهی علما و بزرگان را مذمت کنی و افراد را بی آبرو کنی.

او در ادامه مطالبی را بیان می کند، سپس می گوید:

«يا خبيبة من اتبعك فإنه معرض للزندقة والانحلال»

ای بیچاره هرکسی از تو تبعیت کند، در پرتگاه زندقه و انحلال قرار گرفته است.

مشاهده کنید که تابعین «ابن تیمیه» این نظریات را بیان می کنند. او در ادامه می گوید:

«فهل معظم أتباعك إلا قعيد مربوط خفيف العقل»

آیا این نیست که عمده پیروان تو افراد عقب مانده، گوشه گیر و سبک عقل هستند؟!

«أو عامی كذاب بليد الذهن»

همچنین افراد تو عوام، دروغگو و کودن هستند.

«أو غريب واجم قوی المکر أو ناشف صالح عديم الفهم»

آن‌ها افرادی بیگانه، فرومایه، مکار، خشک، ظاهر الصلاح و فاقد فهم هستند.

السيف الصقيل في الردِّ على ابن زنجفيل، المؤلف: الإمام المجتهد تقي الدين أبي الحسن علي بن عبد الكافي السبكي
الأنصاري الشافعي (٦٨٣ - ٧٥٦ هـ)، ج ١، ص ١٣٩ تا ١٤١

مشاهده کنید طبق نظر آقای «ذهبی» افرادی که به دنبال «ابن تیمیه» می‌روند چه مشخصاتی دارند؛ این در حالی است که «ذهبی» شیعه نیست!!

همچنین مشاهده کنید که این «عبد الشیطان» که واقعاً باید او را «استاد الشیطان» نامید، با عبارت سخیف و رکیک در مورد امام صادق (علیه السلام) اظهار نظر می‌کند.

کسانی که با او تماس می‌گیرند، به او بگویند تو که می‌گویی: "کسانی که «محمد بن عبدالوهاب» را مذمت می‌کنند، تمام مذمت‌ها به ائمه شیعه برمی‌گردد!" دهانت با چنین تعبیر بشکند!!

او می‌گوید: "امامان شیعه لایق این دشنام‌هایی است که مردم به «محمد بن عبدالوهاب» می‌دهند!!

اصلاً جوهره وجود این افراد نصب و عداوت اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) است. اگر به ظاهر مؤدبانه حرف می‌زنند، به جهت این است که خودنمایی کند تا مردم تصور کنند که او چقدر مؤدب است.

زمانی که در لابلاهی صحبت‌هایش باطن خبیث خود را نشان می‌دهد، معلوم می‌شود که آن‌ها چه افراد پست و خبیثی هستند.

سه شب قبل برای کاری خدمت آیت الله العظمی سبحانی رسیدم؛ از ایشان سؤال کردم: آیا نامه‌ای که یکی از شبکه‌های هتاک نوشتند را مشاهده کردید؟! ایشان گفت: نه، من این نامه را ندیدم، موضوع نامه چه بود؟!

من به ایشان گفتم: موضوع این بود که گفتند بین «محمد بن عبدالوهاب» و امامان شیعه تضادی وجود دارد؟! ایشان گفتند: از قول من بگویند که «محمد بن عبدالوهاب» خیلی پست‌تر از آن است که با امامان شیعه مقایسه شود!!

نظر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی هم این بود که اصلاً این نامه‌ها بی‌ارزش‌تر از آن است که علمای شیعه بخوانند وقت بگذارند و به این نامه‌ها نگاه کنند. این در حالی است که آن‌ها مرتباً این مطالب را مطرح می‌کنند.

من از عزیزان بیننده تقاضا دارم که برنامه‌های ما را هم نگاه کنند و برنامه‌های آن‌ها را هم نگاه کنند. واضح و روشن است و نیازی به نقل این قضایا نیست.

مشاهده کنید از میان کتاب‌هایی که علیه «محمد بن عبدالوهاب» مطرح می‌شود تنها به یک نمونه اشاره کنم تا نگویند که تنها شیعیان با «محمد بن عبدالوهاب» سر ناسازگاری دارد. ما تنها سر ناسازگاری با ایشان نداریم!!

یکی از فارغ التحصیلان دانشگاه «محمد بن سعود» در ریاض کتابی به نام «دعای المناوئین» نوشته است که مضمون آن ادعای کسانی است که مخالفت و ضدیت با «محمد بن عبدالوهاب» دارند.

«عبد العزیز بن محمد بن علی آل عبد اللطیف» فارغ التحصیل دانشگاه «محمد بن سعود» بوده است که شرح حال او در سایت‌های مختلف هم آمده است. وی یکی از شخصیت‌های برجسته دانشگاه «محمد بن سعود» در ریاض است که دانشگاهی وهابی‌پرور است.

حدود صد کتاب از علمای بزرگ اهل سنت در رد «محمد بن عبدالوهاب» وجود دارد. کسانی که معاصر او بودند یا بعد از مرگ او این مطالب را نوشتند. «عبد العزیز بن محمد بن علی آل عبد اللطیف» این مطالب را تک تک مطرح می‌کند و می‌گوید:

«فممن عارض دعوة الشيخ الإمام وناصبها العدا في بلاد نجد أثناء ظهور الدعوة، عبد الله بن أحمد بن سحيم»

از کسانی که با حکومت «محمد بن عبدالوهاب» مبارزه کرد و بنای دشمنی با او در منطقه نجد گذاشت، «عبدالله بن احمد بن سحيم» است.

«وهو من بيت آل سحيم الذي يضم أكثر من خصم حارب الدعوة السلفية»

او یکی از کسانی است که در محاربه با دعوت السلفی حداکثر تلاش خود را به کار برد.

دقت کنید که این شخص شیعه نبوده است و حتی در منطقه شیعیان هم زندگی نمی‌کند. اگر ما بخواهیم شرح حال «عبدالله بن احمد بن سحيم» را بیاوریم مباحث به درازا می‌کشد.

«ومن أشد خصوم هذه الدعوة وأكثرهم عنادا ومناهضة، عبد الله بن عيسى المويس (ت ١١٧٥ هـ)»

یکی از کسانی که دشمنی شدید با «محمد بن عبدالوهاب» داشت، «عبدالله بن عيسى المويس» است.

گفتنی است که «محمد بن عبدالوهاب» این شخص را تکفیر کرده است و می‌گوید: «عبدالله بن عيسى بن موييس» کافر و مشرک است، زیرا با ایشان بنای ناسازگاری گذاشته است.

«يقول ابن حميد في "السحب الوابله" (وكان ممن أنكر على ابن عبد الوهاب وعلى أتباعه في ابتداء دعوتهم)»

«ابن حميد» در «سحب الوابله» می‌گوید: یکی از کسانی که روش «محمد بن عبدالوهاب» را انکار کرد و نسبت به پیروانش اخطار داد این شخص بود.

«وقد جاهر عبد العزيز بن عبد الرحمن بن عدوان ٤ (ت ١١٧٩ هـ) بالعداوة للشيخ، (فألف رسالة في نحو ثمانية كراسات من القطع الصغير رد بها على الشيخ»

«عبد العزيز بن عبد الرحمن» أشكارا دشمنی خود را با «محمد بن عبد الوهاب» بنا نهاد و رساله‌ای در هشت پرونده نوشت و بر رد «محمد بن عبد الوهاب» منتشر کرد.

در ادامه می‌گوید:

«ومن أشد هؤلاء الخصوم عداوة وكيدا، وأعظمهم إفكا وتضليلا، سليمان بن سحيم (ت ١١٨١ هـ)»

یکی از کسانی که دشمنی شدید داشت و افکار «محمد بن عبد الوهاب» را بهتان و گمراهی می‌شمرد «سليمان بن سحيم» متوفای ١١٨١ است.

«فإن عداوته ظاهرة وواضحة كما في الرسائل الشخصية للشيخ الإمام أثناء الرد على مفترياته»

عداوت او در نامه‌های شخصی که برای «محمد بن عبد الوهاب» نوشته است، کاملاً روشن و واضح است.

«ومن المناوئين لهذه الدعوة سيف بن أحمد العتيقي (ت ١١٨٩ هـ)»

یکی از کسانی که با دعوت «محمد بن عبد الوهاب» دشمنی کرد، «سيف بن احمد عتيقي» است.

«ويتجلى عداؤه بأنه جمع الردود ألتى رد بها على الشيخ محمد بن عبد الوهاب»

یکی از دشمنی‌های این شخص این است که تمام کسانی که بر ضد «محمد بن عبد الوهاب» سخنرانی داشتند و نامه و مقاله و کتاب نوشته بودند را جمع کرد و کتاب قطوری منتشر کرد.

آیا این شخص شیعه است، یا اهل سنت؟! از این گذشته این شخص ربطی به ایران هم ندارد و همگی مربوط به داخل عربستان سعودی است.

«وسعى سليمان بن عبد الوهاب ٤ (ت ١٢٠٨ هـ) - شقيق الشيخ الإمام - في معاداة الدعوة وتعددت أساليب خصومته ومناوآته ... فقد ألف رسالة سماها "فصل الخطاب في الرد على محمد بن عبد الوهاب"»

همچنین «سليمان بن عبد الوهاب» متوفای ١٢٠٨ برادر «محمد بن عبد الوهاب» در دشمنی با دعوت «محمد بن عبد الوهاب» و با اسلوب‌های مختلف خصومت و مخالفتش را اعلام کرد و کتابی به نام «فصل الخطاب في الرد على محمد بن عبد الوهاب» نوشت.

«كان من آثارها نكوص أهل حريملاء عن اتباع الدعوة، ولم يقف الأمر عند هذا الحد، بل تجاوزت آثار الكتاب إلى العيينة»

او در منطقه حریملاء افراد را نسبت به «محمد بن عبدالوهاب» روشن کرد و نظر بسیاری از کسانی که نسبت به او نظر حسن داشتند را برگرداند.

«سلیمان بن عبدالوهاب» برای مردم روشن کرد که برادر من انسان گمراهی است؛ زیرا او بهتر از هر کسی برادر خود را می‌شناسد. آیا بهتر از کسی که با «محمد بن عبدالوهاب» از یک پدر و مادر هستند و در یک خانه زندگی کردند، کسی او را می‌شناسد؟!

«فارتاب وشک بعض من یدعی العلم - فی العیینة - من صدق هذه الدعوة وصحتها»

سلیمان برادر «محمد بن عبدالوهاب» تلاش زیادی کرد تا اهل عیینة را بر قیام بر دعوت «محمد بن عبدالوهاب» قانع کند.

«لم يقتصر نشاط سليمان على بلده - حریملاء - وإنما بذل جهدا لإقناع أهل العیینة بالخروج على الدعوة ودولتها، وكانت وسيلته في ذلك أن أرسل إليهم كتابا ضمنه آراء تناقض آراء أخيه محمد في مسائل العقيدة»

«سلیمان» مردم را بر علیه «محمد بن عبدالوهاب» تحریک کرد که قیام کنند و نامه‌هایی نوشت که در آن نامه‌ها تناقض آرای برادرش «محمد بن عبدالوهاب» در مسائل اعتقادی و توحید را بیان کرد.

نیازی نیست که کارشناسان وهابی این شخص پست و خبیث را با ائمه معصومین (علیهم السلام) مقایسه کنند، بلکه مشاهده کنند که برادر او که با او از یک مادر متولد شده است، می‌گوید: "«محمد بن عبدالوهاب» در مسائل اعتقادی و توحید تناقض دارد!!"

آیا کسانی که این نامه‌ها را نوشتند، مسلمان بودند یا کافر بودند؟! شیعه بودند یا سنی بودند؟! عالم بودند یا جاهل بودند؟!

این در حالی است که اهل سنت معتقدند که اگر هزار نفر شخصی را توثیق کردند و یک نفر او را تکذیب کرد،

«(والجرح مقدم) عند التعارض على التعديل»

زیرا:

«(فی الأصح) لاطلاع الجرح على ما لم يطلع عليه المعدل»

کسی که او را مذمت می‌کند اطلاعاتی دارد و شخصی که او را توثیق می‌کند آن اطلاعات را ندارد.

غایة الوصول شرح لب الأصول، اسم المؤلف: أبو یحیی زکریا بن محمد بن زکریا الأنصاری، ج ۱، ص ۱۸۳، مسألة: لا یقبل: (فی الروایة) (مختل) فی عقله کجنون

به عنوان مثال اگر در مورد شخصی از من سؤال کنند، من می‌گویم: انسان خوبی است. اگر در مورد ایشان از آقای اسماعیلی سؤال کنند، ایشان هم او را توثیق می‌کند.

در این میان شخص دیگری در مورد او می‌گوید: من شاهد بودم که این شخص در فلان جا دزدی کرده بود و در فلان محکمه هم محاکمه شد. ما از این قضیه خبر نداشتیم.

بنابراین کسی که شخصی را تکذیب می‌کند، پرونده‌ای و اطلاعاتی از او دارد که افراد دیگری که او را توثیق می‌کنند آن اطلاعات را ندارند. مشاهده کنید که این مطلب خیلی واضح و روشن است که برادر او بر علیه او کتاب می‌نویسد و مردم را علیه او تحریک می‌کند!!

«وناھض محمد بن فیروز (ت ۱۲۱۶ هـ) دعوة الشيخ الإمام أشنع مناھضة وأشدها، وكاد لها بمختلف أنواع الكيد والمكر، ومن جملة كیده أنه ألف كتاباً فی الرد علی هذه الدعوة بعنوان "الرسالة المرضیة فی الرد علی الوهابیة"»

همچنین «محمد بن فیروز» که ما بیان کردیم، شدیدترین دشمنی را با ایشان داشت و کتابی در رد «محمد بن عبدالوهاب» نوشت.

همین شخص در مورد «محمد بن عبدالوهاب» می‌گوید: شیطان با مادر «محمد بن عبدالوهاب» همبستر شد و «محمد بن عبدالوهاب» به دنیا آمد. این مطلب را ما نمی‌گوییم، بلکه «محمد بن فیروز» می‌گوید.

«أما عن بلاد الإحساء فقد ألف عبد الله بن محمد بن عبد اللطيف - وهو أحد شیوخ الإمام محمد بن عبد الوهاب فی الإحساء - رسالة بعنوان "سيف الجهاد لمدعی الاجتهاد"»

در بلاد احساء عبدالله بن محمد بن عبد اللطيف یکی از اساتید «محمد بن عبدالوهاب» بوده است که کتابی به نام «سيف الجهاد لمدعی الاجتهاد» نوشت به معنای اینکه شمشیر جهاد بر ضد «محمد بن عبدالوهاب» که مدعی اجتهاد است.

اصلاً از عنوان کتاب مشخص است که او چه شخصیتی دارد.

«كما ألف محمد بن عبد الرحمن بن عفالق (ت ۱۱۶۴ هـ) رسالة وجهها إلى الشيخ محمد بن عبد الوهاب، وكان عنوانها "تهكم المقلدين فی مدعی تجديد الدين"»

همان‌طور که «محمد بن عبدالرحمن بن عفالق» کتابی نوشت در مورد «محمد بن عبدالوهاب» با عنوان «تهكم المقلدين فی مدعی تجديد الدين» نوشت.

موضوع این کتاب حمله‌های مقلدین درباره کسی که مدعی است و می‌خواهد دین اسلام را تجدید کند.

«وقد قصد بها ابن عفالق الطعن والتوهين فی محمد بن عبد الوهاب»

در این کتاب بدترین توهین‌ها به «محمد بن عبدالوهاب» شده است.

به عبارت بعدی دقت کنید که روایت مفتی مکه مکرمه نیست که شما بگویید خیلی ارزش نداشت، بلکه فارغ التحصیل دانشگاه «محمد بن سعود» این مطالب را جمع کرده است. او می‌گوید:

«وفی المدینة كتب محمد بن سليمان الكردى ٩ (ت ١١٩٤ هـ) أسئلة وأجوبة ضد الدعوة السلفية، حيث تضمنت مخالفة ومعارضة لما قرره وأكده أئمة الدعوة السلفية قديما وحديثا»

در مدینه منوره «محمد بن سلیمان کردی» کتابی در مورد پرسش و پاسخ بر ضد دعوت سلفیه نوشت و مخالفتش را کاملاً اعلام کرد.

«كما كتب الكردى تقریظا لرسالة سليمان بن عبد الوهاب، مؤيدا له فى ذلك ومادحا لرسالة سليمان ضد الدعوة السلفية» تقریظی بر کتاب «سلیمان بن عبدالوهاب» نوشت و در آنجا رساله «سلیمان» که بر ضد دعوت «محمد بن عبدالوهاب» سلفیه بود، روشن کرد.

در این کتاب وارد شده است:

«يا ابن عبد الوهاب سلام على من اتبع الهدى فإنى أنصحك لله تعالى أن تكف لسانك عن المسلمين»

ای پسر عبدالوهاب من تو را نصیحت می‌کنم تا زبانت را از ناسزا گفتن و تکفیر مسلمانان برداری.

گفتنی است که «محمد بن سلیمان کردی» استاد «محمد بن عبدالوهاب» بوده است!!

«وفى العراق كتب أحمد بن على البصرى الشهير بالقبانى ٢ (كان حيا سنة ١١٥٧ هـ) مجلدا ضخما سمى بـ "فصل الخطاب فى رد ضلالات ابن عبد الوهاب" ٣ يزید عن مائتين ورقة»

در عراق «احمد بن على بصرى شهير بالقبانى» کتابی به نام «فصل الخطاب فى رد ضلالات ابن عبدالوهاب» نوشت.

دعاوى المناوئين لدعوة الشيخ محمد بن عبد الوهاب، المؤلف: عبد العزيز بن محمد بن على آل عبد اللطيف، الناشر: دار الوطن، الرياض، المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، ١٤١٢ هـ ج ١، ص ٣٨ تا ٤٤، باب تمهيد

این کتاب متعلق به ما نیست، بلکه متعلق به وهابیت است. ایشان کتاب‌های متعددی را نقل می‌کند که آن‌ها بر ضد «محمد بن عبدالوهاب» در رابطه با تکفیر و گمراهی او نوشتند با این مضمون که خود او گمراه است و دیگران را گمراه می‌کند.

او این مباحث را به طور مفصل مطرح کرده است؛ مشاهده کنید که حدود ٤٠ یا ٥٠ صفحه در این مورد مطلب نوشته است و در آخر می‌گوید: این کتاب‌هایی که من آوردم، نمونه‌ای از کتاب‌های متعددی بود که علمای اهل سنت بر ضد «محمد بن عبدالوهاب» نوشتند.

در سایت رسمی «شیخ دکتر عبدالعزیز بن محمد آل عبداللطیف» مشخصات او و دانشگاهی که در او فارغ التحصیل شده است به نام «محمد بن سعود» در ریاض بیان شده است. تخصص او اصول دین است و کارهای علمی زیادی به رشته تحریر درآورده است.

رساله دکتری او با موضوع «نواقض الإیمان القویة و العملية» به ثبت رسیده است. همچنین زمانی که این کتاب را نوشت، بالاترین نمره را در رساله دکتری آورد.

کتاب «دعاوی المناوئین» در حقیقت پایان نامه کارشناسی ارشد ایشان است. او می‌گوید: پایان نامه او در فوق لیسانس با نمره ممتاز مورد قبول قرار گرفته است. مشاهده کنید که چنین شخصی صدها کتاب در رد این شخص بیان می‌کند.

بنده چندین مورد از علمای داخل کشور هم بیاورم تا آقایان تصور نکنند که این موارد تنها مربوط به علمای عربستان بوده است. کتابی به نام «فتاوی منبع العلوم کوه ون» اثر «مولا محمد عمر سربازی» تألیف شده که نام او برای تمام آقایان داخل کشور آشناست.

بخشی از پیامک‌های بینندگان برنامه:

مجری:

از عزیزانی که لطف می‌کنند و به برنامه زنده «جبل المتین» به ویژه امشب که شب رحلت حضرت کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) است، پیام می‌دهند.

عزیزی که خودشان را معرفی نکردند، در پیامی که فرستادند تشکر کردند و گفتند: سلام به حاج آقا برسانید. طفل هشت ماهه‌ای داریم که مبتلا به سرطان است، دعا کنید.

بنده حتماً دعاگو هستم و از شما دوستان خوب بیننده هم درخواست می‌کنم که دعا کنید. واقعاً بیماری سرطان برای طفل هشت ماهه خیلی سخت است، به ویژه برای پدر و مادرشان خیلی دردناک است. دعا کنید!

آقای نیک روش از گرگان هم سلام فرستادند و تسلیت گفتند که از ایشان ممنونیم.

آقای شریفی از ماسال هم مطابق معمول همراهی کردند و پیام فرستادند و گفتند: نایب الزیاره باشید. حتماً اگر لایق باشیم، نایب الزیاره هستیم.

آقای علی معلمیان از مشهد مقدس هم سلام فرستادند و تشکر کردند و باز هم تسلیت گفتند و در ادامه گفتند: ما خیلی دعاگوی حضرت استاد هستیم. از این عزیزان بسیار ممنونیم.

سرکار خانم عباسیان از خمینی شهر برای ما چند بیت شعر گفتند و رحلت کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) را تسلیت گفتند. در ادامه محمد عباسیان هم خدمت همکاران ما در «شبکه جهانی ولایت» عرض تسلیت داشتند.

آقای علی همدانی نژاد از کرمان هم تسلیت گفتند و گفتند: هر وقت حرم رفتید ما را هم دعا کنید. حتماً شما را دعا خواهیم کرد. آقای رضا و محمد از دهکویه لارستان هم سلام و درود فرستادند که از ایشان ممنون و سپاسگذارم. خانم زهرا باشران از استانبول خیلی تشکر کردند و گفتند: خدا ما را از ولایت جدا نکند و در ادامه التماس دعا گفتند. حتماً دعاگوی شما خواهر بزرگوار و خانواده محترمتان که همیشه با برنامه‌های زنده «شبکه جهانی ولایت» همراه هستید، خواهیم بود. استاد به ادامه مباحث پردازیم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بنده از کتاب «فتاوی منبع العلوم» که اثر «مولانا محمد عمر سربازی ملازهی» در نوبت چاپ ۱۳۸۵ وارد شده است را برای شما عرض کنم. او در قسمت «محمد بن عبدالوهاب» و نظریات ایشان می‌گوید:

"گروهی او و روش او را حق دانسته و به تقلید از او پرداختند. آن‌ها معروف به وهابی و نجدی و غیر مقلد هستند.

گروهی او را کم فهم، قبیح و موحد غالی و منحرف از مسلک صحیح و خارجی خیال دانسته و فتوا بر بطلان مسلک او دادند.

از جمله این افراد «علامه شامی» و استاد و برادر «محمد بن عبدالوهاب» و حضرت الإسلام «مدنی» و شیخ الحدیث مولانا «سپهرنپوری» و حافظ الدنيا «سید انور شاه کشمیری» و اکثر علمای دیوبند گفتند ایشان از مسلک صحیح منحرف و خارجی خیال است."

این حرف به معنای این است که او افکار خوارج را داشته است و فتوا بر بطلان مسلک او داده‌اند. او معتقد است که گروهی از اتباع شیخ «محمد بن عبدالوهاب» به نام وهابی هستند. او در ادامه می‌گوید:

"ایشان غیر مقلد هستند و از ائمه تقلید نمی‌کنند. اکثر اساتید و شاگردان جامعه اسلامی در مدینه منوره از همین گروه می‌باشند. این گروه موحد هستند، ولی غالی و متعصب هستند."

این عبارت از کتب ما نیست، بلکه عبارتهایی است که این شخص بیان می‌کند. او در ادامه می‌گوید:

"علمای دیوبند آن‌ها را مسلمان و متعصب و اهل ضیق می‌دانند. آن‌ها گروه منحرف از خط مستقیم شریعت و اتباع سنت هستند. علمای دیوبند اتباع و پیروی و گرایش مردم به این گروه‌ها غیر از دیوبند مضر می‌دانند؛ ضرر این گروه‌ها از نفعشان زیادتر است." مشاهده کنید که این مطالب نمونه‌هایی از عقاید «ملاً محمد عمر سربازی» است. او در اینجا پرسش و پاسخ‌های ارزشمند برای جوانان ارجمند دارد.

او در قسمت دیگری به توضیح مفهوم سلف می‌پردازد و مطالبی در رابطه با زیاده‌روی آنان بیان می‌کند و می‌گوید: "ایشان اکثر مذاهب را توهین می‌کنند، اما برخوردارشان با اهل مذاهب به مبالغه و تندروی است."

این مطالب نمونه‌هایی از حرف جناب «مولانا محمد عمر سربازی» است. در صفحه ۲۹۹ وارد شده است: "وهابی گروهی در نجد و اطراف دیگر هستند که منسوب به «محمد بن عبدالوهاب» هستند. آن‌ها تا مدتی برای فریب عوام خود را به محمدی منسوب کردند.

غرض ایشان «محمد بن عبدالوهاب» بود، اما عوام مسلمین فریب خورده بودند که ایشان منسوب به محمد رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) هستند.

از این وضع علمای مقلدین آن دوره برای دفع اشتباه عوام آن‌ها را به وهابی که «عبدالوهاب» پدر «محمد بن عبدالوهاب» بود تغییر دادند تا عوام فریب نخورند، و گرنه پدرش مرد مؤمن و صالحی بوده است."

ایشان در ادامه می‌گویند:

"علت اساسی ظهور و پیاده شدن مسلک وهابی این بود که در سال ۱۲۲۱ پیروان «محمد بن عبدالوهاب» بنیان سلطنت ترکان عثمانی روم را در تزلزل دیدند، از فرصت استفاده کرده با عده‌ای از یاغیان بر حرمین حمله‌آور شدند. این یاغیان در جریان حمله به حرمین بسیاری از علمای مقلدین مذاهب را شهید و خون آن‌ها را مباح کردند."

بسیاری از علمای مقلدین مذاهب در حقیقت مقلدین «ابوحنیفه»، «مالک»، «شافعی» و «احمد بن حنبل» بودند که اتباع «محمد بن عبدالوهاب» آن‌ها را شهید و خون آن‌ها را مباح کردند.

آیا شما می‌خواهید این فرد را با ائمه طاهرین (علیهم السلام) که در مورد آن بزرگواران بیان شده است:

«خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَاراً فَجَعَلَكُمْ بَعْرَثِيهِ مُخَدِّقِينَ»

من لا يحضره الفقيه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۲، ص ۶۱۳، ح ۳۲۱۳

مقایسه کنید؟! جالب است که در جلد پنجم این کتاب تعبیر دیگری وارد شده است و می‌گویند: "در دوران استبداد نجدیان همه قبه‌های بقیع منهدم گردیدند." این مطالب مربوط به ما نیست، بلکه در کتاب‌های علمای اهل سنت وارد شده است.

مجری:

استاد خیلی متشکرم. بنده سؤالات دیگری هم برای پرسش آماده کرده بودم، اما دیگر فرصت برنامه به ما اجازه نمی‌دهد.

نظر علمای اهل سنت به ویژه علمایی که در ایران هم مورد تأیید افراد بسیاری قرار دارند در مورد «محمد بن عبدالوهاب» برای دوستان خوب بیننده روشن شد؛ اصلاً صحبت در مورد این مقایسه کار بیهوده‌ای است و اصلاً نمی‌توان این مقایسه باطل را انجام داد.

انشاءالله ما بتوانیم در هفته آینده بحث را ادامه بدهیم. در لحظات پایانی برنامه قرار داریم؛ انشاءالله حضرت استاد دعا می‌کنند. استاد برای این طفل هشت ماهه‌ای که سرطان دارد به صورت ویژه دعا کنید.

امشب شب رحلت کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) است. ان شاء الله دعاگوی عزیزان باشید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بنده تنها یک جمله را خدمت بینندگان بگویم تا مشخص شود که خباثت این افراد در چه حدی است. در کتاب «مجالس قطب الإرشاد» اثر علامه محقق مولانا «محمد عمر سربازی» است. در صفحه ۲۹۳ این کتاب وارد شده است:

"محمد بن عبدالوهاب» دستور داد که گنبد خضرای رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) تخریب شود. عالم به جنب و جوش درآمد و اولین کسانی که در مقابل حکم او ایستادند پیروان مذاهب اربعه از جمله «حناف»، «شوافع»، «مالکی» و «حنابله» بودند.

آن‌ها گفتند: اگر گنبد خضرای رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) تخریب شود، خدا داند چه اختلافی میان مسلمانان رخ دهد. بنابراین علمای بزرگوار اسلام آنان را قانع نموده سرانجام از کارشان دست کشیدند."

بنده حداقل بیش از ۵۰ مورد از علمای داخل کشور ایران علیه «محمد بن عبدالوهاب» و در ضلالت و گمراهی او سراغ دارم که مطالب و تصاویر آن‌ها نیز موجود است. ان شاء الله در فرصتی مناسب آن‌ها را در اختیار بینندگان عزیز قرار خواهیم داد.

ما می‌خواهیم بگوییم که موضع شیعیان کاملاً واضح و روشن است؛ بعضی از عزیزان اهل سنت فریب این شبکه‌های شیطانی را نخورند. دقت کنید فریب حرف‌های به ظاهر زیبا، ولیدر باطن همانند زهر از «محمد بن عبدالوهاب» را نخورند.

وهابیت دشمن خدا، پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و اهل بیت آن بزرگوار هستند. «محمد بن عبدالوهاب» در جایی می‌گوید: "هرکسی بین خود و خدا واسطه قرار بدهد، کافر و مرتد و حلال المال و حلال الدم است."

این در حالی است که همین شخص در جای دیگر می‌گوید: "چه کسی گفته است که من مردم را به خاطر توسل تکفیر کرده‌ام؟! خیلی عجیب است.

مجری:

ان شاء الله در برنامه‌های بعدی بیشتر نسبت به این موضوع بحث خواهیم کرد.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

خدایا تو را قسم می‌دهیم به آبروی محمد و آل محمد فرج مولای ما بقیة الله الأعظم نزدیک بگردان، خدایا ما را از یاران خاص و از سربازان فداکار آن بزرگوار قرار بده.

خدایا رفع گرفتاری از گرفتاران بنما، عزیزان ما در عراق و سوریه و یمن و بحرین و عربستان سعودی و افغانستان و پاکستان و تاجیکستان و ترکیه و هر کجای دیگری گرفتارند به حق محمد و آل محمد از همه آن‌ها رفع گرفتاری بنما.

حوائج ما، حوائج دست اندرکاران «شبکه جهانی ولایت»، حوائج بینندگان عزیز مخصوصاً ولایت یاوران گرامی به حق محمد و آل محمد برآورده نما، دعاهاى ما را به اجابت برسان.

والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته

مجری:

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

بازهم از توجه و عنایت تک تک شما دوستان خوب بیننده ممنونم. یک بار دیگر وفات کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) را به پیشگاه امام رضا (علیه السلام) و همه شما عاشقان اهل بیت (علیهم السلام) تسلیت عرض می کنم.

التماس دعای خیر دارم، یا علی مدد، خدانگهدار